

بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر تمایل به ورزش در سازمان مورد مطالعه: شرکت برق منطقه‌ای خراسان رضوی^۱

حمید مسعودی^۲، احمدرضا اصغرپور ماسوله^۳

چکیده:

مقدمه و هدف: نگاه اجتماعی به وضعیت فعالیتی کارمندان سازمان‌ها امروزه اهمیت یافته و علت اصلی آن نیز سلامت جسمی و روحی و در نتیجه افزایش بهره‌وری سازمان است. هدف پژوهش حاضر، بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر تمایل به ورزش در بین کارمندان شرکت برق منطقه خراسان است.

روش شناسی: جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه کارمندان شرکت برق منطقه‌ای خراسان می‌باشند که تعداد ۱۷۵ نفر به عنوان نمونه آماری به روش تصادفی ساده مبتنی بر لیست، انتخاب شدند. روش پژوهش پیمایش بوده که با استفاده از پرسشنامه‌ای با سنجش اعتبار و پایایی اجرا گردید.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، بیشترین پاسخگویان مرد (۸۸/۵ درصد)، متأهل (۹۶ درصد)، دارای مدرک تحصیلی کارشناسی و بدون شغل دوم می‌باشند. پاسخگویان به‌طور متوسط سه ساعت اوقات فراغت داشته و در کل دوره شغلی حدود ۹ بار در رقابت‌های ورزشی شرکت کرده‌اند. از سوی دیگر آن‌ها به میزان ۷ ساعت در هفته ورزش کرده و از اوقات فراغت، فعالیت ورزشی، امکانات ورزشی اداره، کارکنان بخش ورزش و دسترسی به خدمات و در نهایت هزینه‌های فراغتی خود رضایت دارند. بین میزان فعالیت ورزشی و متغیرهای میزان رضایت از سلامت جسمی، اوقات فراغت، فعالیت ورزشی، امکانات ورزشی اداره، دسترسی به امکانات ورزشی، میزان اطلاع‌رسانی و میزان استفاده از امکانات شرکت همبستگی معنادار وجود داشته و ابعاد رضایتی فعالیت ورزشی، اوقات فراغت و دسترسی به امکانات بر تمایل به ورزش در سازمان مؤثر می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج این پژوهش میزان فعالیت ورزشی کارمندان مناسب نبوده و این مسئله در ابعاد انگیزه‌ای و حمایتی بیشتر احساس می‌گردد؛ بنابراین، لازم است سازمان‌ها در راستای ارتقای سطح سلامت جسمی و روانی کارمندان خود تلاش بیشتری نمایند.

کلیدواژگان: مشارکت ورزشی، شرکت برق منطقه‌ای خراسان، اوقات فراغت، ورزش سازمانی.

^۱ پژوهشگر جهاد دانشگاهی و دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه فردوسی مشهد massoudihamid@gmail.com

^۲ استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

در جوامع امروزی اوقات فراغت و سلامت دو بحث اساسی هستند. هر دو این موضوعات از جمله دغدغه‌هایی هستند که به نوعی مختص انسان مدرن به شمار می‌روند. در دو قرن اخیر انقلاب صنعتی سبک جدیدی از حیات بشری را به وجود آورد که پیش از آن سابقه نداشت. جدا شدن محل کار و محل زندگی موجب تفکیک میان حوزه شغل و حوزه زندگی خصوصی شد (۱). از سوی دیگر به تدریج با افزایش ساعات فراغت و کاهش ساعات کار که مترادف با بهبود اوضاع رفاهی انگاشته می‌شود، خود فراغت تبدیل به حوزه‌ای بزرگ از حیات بشری شد و متناسب با آن صنعتی به نام تفریحات به وجود آمد. از سوی دیگر دغدغه‌های سلامت انسان مدرن با دغدغه‌های سلامت انسان پیشامدرن متفاوت است. همان‌طور که بیماری‌هایی که انسان مدرن را تهدید می‌کنند کاملاً با دوران قبلی متفاوت‌اند. در دوران ما بیماری‌های اصلی و نگران‌کننده سرطان‌ها و بیماری‌های قلبی هستند. دیگر خبر چندان از بیماری‌های میکروبی و ویروسی نیست. بیماری‌هایی که انسان امروز را تهدید می‌کنند عموماً متأثر از سبک زندگی صنعتی هستند: استفاده از غذاهایی که طبیعی نیستند و انواع افزودنی‌های صنعتی در آن وجود دارند و نیز بی‌حرکی (۲).

رایج است که زندگی ماشینی در شهرهای بزرگ امروزی را مترادف با بی‌حرکی می‌دانند. در دنیای مدرن انجام فعالیت‌های بدنی پست‌تر از فعالیت‌های فکری شمرده می‌شود به همین خاطر عموماً افراد از انجام کارهای بدنی ابا دارند. هم‌گام با پیشرفت‌های علم و فن‌آوری کارهای یدی یا به ماشین‌ها واگذار شده‌اند با به افراد که دانش و به تبع درآمد کمتری دارند. در حالی که در پیش از کم شدن نیاز به فعالیت‌های بدنی رفاه و آسایش قلمداد می‌شد اما در دهه‌های اخیر افراط در راحت‌طلبی نگرانی‌هایی در مورد بروز بیماری‌های مرتبط به بی‌حرکی ایجاد کرده است. مثلاً، سلامت روان کارمندان فعال نسبت به شاغلینی که فعالیت بدنی نداشتند، بهتر بوده است. لذا محیط کار می‌تواند اثرات نامطلوبی بر سلامت جسمانی و روانی کارمندان شاغل باشد و از آنجایی که ورزش باعث افزایش سلامت روانی شده باید جزئی از برنامه تربیت عمومی آنها در نظر گرفته شود (۳).

به همین خاطر است که در سال‌های اخیر همراه با کمبود شدید فعالیت‌های بدنی در امور روزمره انجام فعالیت‌های ورزشی اهمیتی دوچندان یافته است. این امر همراه شده است با تقویت روزافزون هنجارهای مربوط به مدیریت به بدن. تا جایی که افراد زمان‌های زیادی را صرف مدیریت بدن می‌کنند چه با استفاده از فعالیت‌های ورزشی که هر روز پیچیده‌تر و هدفمندتر می‌شوند و چه از طریق استفاده از محصولات شیمیایی و صنعتی که می‌توانند یا حداقل ادعا می‌کنند که می‌توانند بدن را به شکل دل‌خواه تغییر دهند. در هر صورت عموماً تصور این است که گسترش فعالیت‌های ورزشی در اوقات فراغت می‌تواند موجب شادابی و سلامت و نیز ایجاد شرایط رشد بر عموم افراد می‌شود (۴). به همین خاطر است که دولت‌ها تأکید زیادی بر ورزش‌های همگانی و نیز تشویق افراد به فعالیت‌های بدنی دارند.

انبوه انواع جراحی‌های زیبایی و لاغری نشان از اهمیت روزافزون ارزش‌های مربوط به مدیریت بدن دارد و به‌طور روزافزونی بدن محصولی و نه تنها پوشش آن محصولی فرهنگی می‌شوند. در کنار هم قرار دادن تمام نکاتی از بالا بیان شد جورچین را می‌سازد که مسئله این پژوهش در آن قرار دارد. از یک‌سو نوع فعالیت‌های شغلی امروزی نیاز به انجام ورزش در اوقات فراغت بیش‌تر کرده است و از سوی دیگر پر کردن اوقات فراغت خود هزینه‌بر است؛ اما باین‌حال از سوی کارمندان استقبال زیادی از امکانات ورزشی مناسب و ارزان‌قیمت شرکت برق منطقه‌ای

خراسان نمی‌شود. یافته‌های حاصل از بررسی ملی در بین بزرگسالان ایرانی نشان می‌دهد که بیش از ۸۰ درصد جمعیت ایرانی از نظر فیزیکی غیرفعال هستند و از سوی دیگر مطالعات انجام شده در زمینه نحوه گذراندن اوقات فراغت و تفریحات نیز نشان می‌دهد که ۴۴ درصد ایرانیان در اوقات فراغت هرگز ورزش نمی‌کنند (۱).

هرچه سطح رفاه در جامعه‌ای بالاتر باشد میزان فراغت افراد در آن جامعه بیش‌تر است چراکه در جامعه مرفه افراد هم درآمد بیشتری دارند و هم ساعات کمتری را به کار و به‌خصوص کار فیزیکی می‌پردازند. در چنین جامعه صنعت تفریحات هم رونق بیشتری دارد چون هم مشتری بیش‌تری دارد و هم مردم پول بیش‌تری برای خرج کردن دارند. صنعت تفریحات مردم را سرگرم می‌کند و معمولاً آنچه در محیط کار نمی‌توانند بیانند به آن‌ها عرضه می‌کنند. سینما و دیگر هنرها، بازی‌های رایانه‌ای، شهربازی‌ها و باشگاه‌های ورزشی و تفریحی همه از این جمله هستند. در جامعه صنعتی مردم برای تفریح هم عموماً از خانه بیرون می‌آیند و خرج می‌کنند. بررسی نتایج تحقیقات مختلف در کشور نشان می‌دهد که افراد با انگیزه‌های متفاوتی مانند کسب نشاط، احساس لذت و پیشگیری از بیماری و شادابی و لاغر شدن و حفظ سلامت در فعالیت‌های ورزشی شرکت می‌کنند (۵).

اگر فعالیت ورزشی را نوعی رفتار عملیاتی شده در نظر بگیریم، می‌توانیم در بررسی آن از سطح باور، شناخت، نگرش و تغییر رفتار عبور کنیم. تمایل به ورزش کردن در مرحله نگرش قرار دارد و البته نزدیک به رفتار نیز می‌باشد. تمایل به ورزش می‌تواند مبتنی بر تجربه زیسته کارمندان در گذشته آنها و از آن متأثر باشد؛ بنابراین مسئله اصلی این است که در صورتی که کارکنان به مزایای ورزش باور داشته و آنها را بشناسند، از سوی دیگر نگرش خود را به سمت ورزش تغییر دهند ولی شرایط تغییر تمایل و رفتار آنها صورت نگیرد، تغییر رفتار مثبتی در ورزش کردن دیده نمی‌شود. در نهایت اینکه تغییر تمایل ورزشی کارکنان نیز می‌تواند به سه شکل مستقیم، غیرمستقیم در شناخت و نگرش و غیرمستقیم در زیرساخت‌ها و اطلاع‌رسانی صورت گیرد.

در یک دسته کلی می‌توانیم به انگیزه‌های مشارکت ورزشی اشاره نماییم به طوریکه، **عوامل فردی، عوامل سازمانی، عوامل اجتماعی و عوامل زیرساختی** از مهمترین عامل‌های مؤثر بر مشارکت در فعالیت ورزشی است. لذا در بخش عوامل فردی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که کسب سلامتی، شادابی و تناسب اندام، آمادگی جسمانی، هیجان، لذت و رفع نیازهای عاطفی، افزایش نیروی زندگی، کنترل وزن، آرامش (۷)، کاهش خستگی عاطفی، عدم مسخ شخصیت و افزایش موفقیت فردی (۱۰) و سرگرمی (۱۱) از عوامل اصلی مشارکت ورزشی است. در بخش عوامل سازمانی نیز پژوهش‌ها نشان دهنده این است که کسب تجربه و دوری از کار، افزایش نیروی کار، کسب موفقیت شغلی، ارتقای موقعیت شغلی (۷) کاهش تحلیل رفتگی شغلی (۹) و (۱۰)، خودکارآمدی، کسب حمایت سازمانی (۱۲)، معماری درونی سازمانی (۱۳)، وجود ورزش‌های سازمانی مناسب (۱۵) از جمله عوامل مؤثر بر مشارکت ورزشی کارکنان است. در بخش اجتماعی نیز پژوهش‌ها نشان دهنده این می‌باشد که اجتماعی شدن بیشتر، گذران اوقات فراغت (۷) کسب سرمایه اجتماعی (۶)، حمایت اجتماعی دوستان، حمایت اجتماعی خانواده (۱۲)، طبقه اجتماعی (۱۶). انجام گروهی ورزش (۱۷) بر مشارکت ورزشی کارکنان تأثیرگذار است. در نهایت در بخش زیرساختی نیز پژوهش‌ها نشان دهنده تأثیر استراتژی‌های سازمانی (۱۲)، اندازه سازمان (۱۳)، تنوع ورزش‌ها در سازمان، وجود امکانات و تسهیلات ورزشی در سطح ادارات، تدوین برنامه ریزی مناسب برای فعالیت‌های ورزشی کارکنان (۱۵)، در دسترس بودن اماکن ورزشی (۱۶) بر مشارکت ورزشی کارکنان است.

بنابراین هدف کلی پژوهش حاضر شناسایی علل اصلی عدم استقبال برخی از کارکنان از انجام فعالیت‌های ورزشی با توجه به امکانات مناسب در مجموعه ورزشی شرکت برق است. با توجه به مرور پیشینه‌ها عوامل مختلفی در نظر گرفته شده است که از چهار بخش فردی، اجتماعی، سازمانی و زیرساختی، در بخش یافته‌ها شرح داده می‌شود. مشارکت به معنی به کار گرفتن منابع شخصی به منظور سهیم شدن در یک اقدام جمعی است. البته این معنی در مشارکت ورزشی مدنظر نیست. منظور از مشارکت و فعالیت ورزشی، میزان به‌کارگیری منابع شخصی، اعم از فیزیکی، مادی، روانی و فراغتی در راستای انجام فعالیت‌های ورزشی است؛ بنابراین کارمند هرگاه در زمان فراغت از کار، با صرف هزینه به انواع ورزشی همت گمارد، گوییم فعالیت ورزشی دارد. متناسب با اهداف پژوهش، سؤالاتی به صورت جزئی طراحی گردیده است:

- ✓ آیا بین میزان رضایت کارمندان از فعالیت‌های مرتبط با ورزش (فردی، سازمانی، اجتماعی و زیرساختی) و میزان مشارکت ورزشی آنان رابطه وجود دارد؟
 - ✓ آیا بین متغیرهای زمینه‌ای و مشارکت ورزشی کارمندان رابطه وجود دارد؟
 - ✓ آیا بین متغیرهای زمینه‌ای با رضایت ورزشی کارمندان رابطه وجود دارد؟
- این سؤالات در قالب فرضیاتی جزئی‌تر در بخش یافته‌های پژوهش مورد مذاقه قرار گرفته است.

۲- روش پژوهش

روش تحقیق حاضر از نوع پیمایشی (توصیفی-همبستگی) می‌باشد و جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه کارمندان شرکت برق استان خراسان رضوی شامل می‌شود. با رجوع به معاونت منابع انسانی شرکت برق لیست کامل کارکنان این شرکت استخراج گردید. با توجه به این لیست تعداد کارمندان این شرکت حدود ۶۳۰ نفر شامل است. کارکنان شرکت برق در دو بخش شهر مشهد و شهرستان‌های اطراف تقسیم گردیده است و از آن‌رو که جامعه هدف مراکز ورزشی همه کارمندان می‌باشند اما مراجعین بیشتر از شهر مشهد هستند تعداد این کارمندان در حدود ۳۵۰ نفر تعیین گردید. ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش پرسشنامه‌ای محقق ساخت بوده است. این ابزار شامل سؤالات بسته و باز پاسخ می‌باشد که در سه بخش زیر تدوین گردیده است: الف) بخش شناخت متغیرهای زمینه‌ای پاسخگویان. ب) بخش شناخت متغیرهای مربوط به اوقات فراغت، میزان و نوع گذران. ج) بخش مربوط به شناخت متغیرهای مربوط به فعالیت‌های ورزشی و موارد مربوط به آن. ه) بخش مربوط به شناخت متغیرهای مربوط به سنجش میزان موافقت با فعالیت‌های ورزشی و ابعاد آن؛ و) بخش مربوط به شناخت نقاط ضعف و قوت مسائل مربوط به میزان، نوع و نحوه انجام فعالیت‌های ورزشی کارمندان شرکت برق. اعتبار ابزار پژوهش، به صورت صوری به دست آمده است. بدین صورت که نظر داوران که از کارمندان شرکت برق و اساتید دانشگاه می‌باشند، در مورد گویه‌های پرسشنامه و شاخص‌های آن مورد ارزیابی قرار گرفت. روایی پرسشنامه نیز در بخش‌هایی که به صورت طیف لیکرت بوده است قابل قبول ارزیابی گردید. به طوری که بخش مربوط به میزان رضایت (۰,۷۸) به دست آمد. پس از تهیه ابزار، تعدادی از پرسشگران آموزش دیده و اجرای مصاحبه‌ها را بر عهده گرفتند. داده‌ها پس از جمع‌آوری و ویرایش، کدگذاری و وارد نرم‌افزار Spss

گردید. روش آماری این پژوهش شامل دو بخش آمار توصیفی و استنباطی^۱ می‌باشد. در بخش توصیفی محاسبه شاخص‌های مرکزی و پراکندگی و جداول و نمودارهای توصیفی و در بخش استنباطی به منظور تعیین نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگوروف اسمیرنوف و برای بررسی فرضیه‌های تحقیق از آزمون‌های متناسب مانند آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن، رگرسیون و ... استفاده می‌شود.

۳- یافته‌های پژوهش

در رابطه با یافته‌های پژوهش دو بخش در نظر گرفته شده است ابتدا به ارائه یافته‌های توصیفی و پس از آن به ارائه یافته‌های استنباطی پژوهش پرداخته می‌شود. با توجه به یافته‌های توصیفی، بیشترین پاسخگویان مرد (۸۸/۵ درصد)، متأهل (۹۶ درصد)، دارای مدرک تحصیلی کارشناسی (۴۰ درصد) و بدون شغل دوم (۹۰ درصد) هستند. در رابطه با توصیف آماری، آزمون تک نمونه‌ای کای اسکوئر نیز در نظر گرفته شده است و معناداری آن، دربرگیرنده متناسب بودن توزیع درصدها می‌باشد؛ بنابراین با توجه به سطح معناداری این آزمون در بخش توصیف کیفی مشاهده شد که توزیع درصدها معنادار می‌باشد. همچنین میانگین سن پاسخگویان ۴۳ سال، تعداد اعضای خانواده ۴ نفر، سال‌های سابقه کار ۱۷ سال، میزان ساعات اوقات فراغت در روز ۳ ساعت، تعداد دفعات شرکت در مسابقات ورزشی ۹ نفر و درنهایت میانگین نمره داده شده ۱۶ می‌باشد. به طور متوسط کارمندان و اطرافیان آن‌ها بین ۷ تا ۸ ساعت به فعالیت‌های ورزشی می‌پردازند. در زمینه فعالیت غیر حرکتی، تماشای تلویزیون، مطالعه‌ی کتاب و مطالعه‌ی روزنامه سه اولویت اول، در زمینه فعالیت علمی و سرگرمی، امور منزل، استراحت و قدم زدن، در زمینه فعالیت‌های ورزشی و حرکتی، شنا، فوتبال و پیاده‌روی و درنهایت در رابطه با فعالیت‌های اجتماعی و مدنی، تشریف به حرم رضوی، صله‌ی ارحام و نماز جماعت قرار دارد. پاسخگویان از بین ۸ تا ۱۵ گزینه مختار به انتخاب چند اولویت اول بودند و میانگین تعداد دفعات تکرار فعالیت‌های کلی در زمینه غیر حرکتی، علمی و سرگرمی، ورزشی و حرکتی و اجتماعی و مدنی می‌باشد. همچنین میانگین ساعات انجام فعالیت‌های غیر حرکتی (۱۳)، علمی و سرگرمی (۸)، ورزشی و حرکتی (۹) و اجتماعی و مدنی (۸) ساعت می‌باشد. در نهایت اینکه، میزان رضایت پاسخگویان به صورت کمی و کیفی ارائه گردیده است. همان‌گونه که برمی‌آید، بیشتر پاسخگویان از سلامت جسمی (۵۱ درصد)، اوقات فراغت (۴۵ درصد)، فعالیت ورزشی (۳۵ درصد)، امکانات ورزشی اداره (۴۸ درصد)، کارمندان بخش ورزش (۵۲ درصد)، دسترسی به امکانات (۴۹ درصد) و هزینه‌های فراغتی (۵۰ درصد) راضی و از فعالیت ورزشی همکاران (۴۲ درصد) تا حدی راضی هستند. آماره‌ی کای اسکوئر نیز بیانگر نشان می‌دهد؛ تفاوت درصدها معنادار می‌باشد. همچنین، بیشتر پاسخگویان (۵۱ درصد) اطلاع زیادی از امکانات ورزشی داشته ولی ۳۳ درصد آن‌ها استفاده کمی از این امکانات می‌کنند.

جدول شماره (۱): رابطه بین میزان اطلاع و استفاده از امکانات ورزشی و ابعاد رضایت

ورزش همکاران	هزینه‌های فراغتی	دسترسی به امکانات	کارمندان بخش ورزش	امکانات ورزشی اداره	فعالیت ورزشی	اوقات فراغت	سلامت جسمی	میزان اطلاع
۰/۲۱**	۰/۲۸**	۰/۲۹**	۰/۳۶**	۰/۲۷**	۰/۲۶**	۰/۲۳**	۰/۱۰	میزان اطلاع
۰/۰۷	۰/۲۱**	۰/۳۱**	۰/۲۹**	۰/۲۵**	۰/۵۹**	۰/۳۵*	۰/۲۶**	میزان استفاده
۰/۲۰*	۰/۱۳	۰/۲۱**	۰/۱۳	۰/۱۸*	۰/۵۷**	۰/۳۱*	۰/۲۱**	فعالیت ورزشی
** همبستگی معنادار در سطح ۰/۰۱ خطا و * همبستگی معنادار در سطح ۰/۰۵								

جدول شماره (۱) نشان می‌دهد، بین میزان اطلاع و میزان استفاده و همچنین میزان فعالیت ورزشی و ابعاد رضایتی همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود دارد، البته میزان همبستگی بین میزان فعالیت ورزشی و میزان اطلاع‌رسانی (۰/۱۹) و میزان استفاده از امکانات شرکت نیز (۰/۵۸) است و در سطح ۰/۰۱ نیز معنادار می‌باشد. از آن‌رو که شاخص‌های اصلی پژوهش در سطح سنجش ترتیبی نیز می‌باشند از رگرسیون ترتیبی^۱ که در زبان دستوری Spss به PLUM معروف است و روش لگاریتم تکمیلی^۲ برای سنجش میزان تأثیر هر یک از شاخص‌ها یا عوامل اصلی بر روی شاخص کلی مشارکت ورزشی استفاده خواهد شد.

جدول شماره (۲): نتایج آزمون نسبت احتمال درست نمایی و نیکویی برازش و آماره‌های پز دو

مدل رگرسیون ترتیبی

معناداری	درجه آزادی	χ^2	نسبت درست نمایی	مدل	
۰/۰۰	۳۱	۱۵۰	۲۸۵	دوگانه	نسبت احتمال
			۱۳۴	نهایی	درست نمایی
۱/۰۰	۴۴۹	۵۳۷	-	پیرسون	نیکویی برازش مدل
			-	انحراف	
۰/۵۱	مک‌فادن	۰/۷۶	نیچل کرک	۰/۶۷	کاکس و نل

جدول شماره (۲)، نشان می‌دهد، اولاً با توجه به میزان آماره‌ی نسبت درست نمایی^۳ (۲۵۱) و سطح معناداری آن، مدل رگرسیون ترتیبی جهت تحلیل مناسب است و می‌توان به نتایج آن اتکا نمود. از طرف دیگر با توجه به آزمون نیکویی برازش مدل^۴ و مقادیر کای اسکوتر پیرسون (۱۲۸۹) و انحراف (۹۴۲) و سطح معناداری آن که بالاتر از ۰/۰۵ است نیز نتیجه گرفته می‌شود که مقادیر متغیر وابسته پژوهش و متغیرهای مستقل تناسب خوبی باهم داشته و مدل خوب است.

^۱PLUM - Ordinal Regression^۲Log Likelihood^۳Complementary Log-log^۴Goodness-of-Fit

از آن رو که رگرسیون ترتیبی پژوهش با رگرسیون خطی مرسوم تفاوت‌هایی دارد، جهت مشخص نمودن ضریب تعیین از آماره‌های ضریب تعیین پزدو استفاده می‌شود. به دلیل ترتیبی بودن داده‌ها این آماره‌ها نیز بهتر است. با توجه به ردیف انتهایی جدول شماره (۸)، زیرمجموعه آماره ضریب تعیین پزدو، یعنی کاکس و نل (۰/۸۲)، نیجل - کرک (۰/۹۰) و مک‌فادن (۰/۷۲) بوده و به میزان ۱ نزدیک است بنابراین نشان از آن دارد که نقش متغیرهای مستقل در تبیین واریانس متغیر وابسته یعنی کارکرد فرهنگ زیاد است. در رگرسیون ترتیبی تشخیص میزان تأثیر هر متغیر با مشکلاتی روبرو می‌باشد، اما در این بخش یافته‌ها نشان می‌دهد، ابعاد رضایتی فعالیت ورزشی، اوقات فراغت و دسترسی به امکانات مؤثر می‌باشد.

جدول شماره (۳): نتایج آزمون نسبت احتمال درست نمایی و نیکویی برازش و آماره‌های پزدو

مدل رگرسیون ترتیبی

معناداری	درجه آزادی	χ^2	نسبت درست نمایی	مدل	
۰/۰۰	۴۳	۱۲۱	۳۲۱	دوگانه	نسبت احتمال
			۲۰۰	نهایی	درست نمایی
۰/۹۹	۴۱۳	۳۳۲	-	پیرسون	نیکویی برازش مدل
۱/۰۰	۴۱۳	۱۷۰	-	انحراف	
۰/۳۳	مک‌فادن	۰/۵۸	نیجل کرک	۰/۵۱	کاکس و نل

جدول شماره (۳)، نشان می‌دهد، اولاً با توجه به میزان آماره‌ی نسبت درست نمایی^۱ (۲۵۱) و سطح معناداری آن، مدل رگرسیون ترتیبی جهت تحلیل مناسب است و می‌توان به نتایج آن اتکا نمود. از طرف دیگر با توجه به آزمون نیکویی برازش مدل^۲ و مقادیر کای اسکوتر پیرسون (۱۲۸۹) و انحراف (۹۴۲) و سطح معناداری آن که بالاتر از ۰/۰۵ از نیز نتیجه گرفته می‌شود که مقادیر متغیر وابسته پژوهش و متغیرهای مستقل تناسب خوبی باهم داشته و مدل خوب است. همچنین در این مرحله نیز یافته‌ها نشان از آن دارد، شاخص کلی رضایت و پس از آن میزان استفاده از امکانات بر مشارکت ورزشی کارمندان مؤثر است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان داد که در میان کارمندان مورد بررسی اهمیت ورزش و فعالیت‌ها ورزشی به‌خوبی شناخته شده است. آنان فایده و مزیت ورزش را می‌شناسند و همچنین مطلع‌اند که فعالیت‌های ورزشی چه تأثیری بر سلامت آن‌ها خواهد داشت؛ اما این اطلاع به کنش نمی‌رسد. می‌دانیم برای انجام یک کنش تنها اطلاع از مزیت‌های آن کافی است. کنشگران درباره هر کنشی در زمینه تصمیم‌گیری می‌کنند. آن‌ها کنش‌های را در کنار هم قرار می‌دهند و سعی می‌کنند با توجه به نظام ارزشی و محدودیت‌ها و امکاناتی که می‌شناسند تصمیم‌گیری کنند. به همین خاطر است که در فضای زندگی کارمندان باید عوامل مانع ورزش کردن را شناخت.

^۱Pseudo R-Square

^۲Goodness-of-Fit

^۳Log Likelihood

از یک‌سو ورزش کردن علاوه بر مزیت‌هایی که همه می‌شناسند، زحمت هم دارد. خود فعالیت بدنی برای کسانی که به کارهای دفتری عادت کرده‌اند دشوار است. همچنین هزینه‌های مربوط به رفت‌وآمد و زمانی که باید صرف ورزش کنند همه هزینه محسوب می‌شود. آن‌ها باید محیط جدیدی شوند و با افراد جدید تعامل داشته باشند.

اما هنگامی که سلامت تبدیل به مسئله اساسی افراد می‌شود افراد عموماً تمام این هزینه‌ها را به جان می‌خرند. به‌عنوان مثال بسیاری از افراد که به‌طور مرتب از امکانات ورزشی اداره استفاده می‌کنند، به توصیه مستقیم پزشک خود برای رهایی از دردهایی که دائماً آن‌ها را آزار می‌دهد یا تهدید می‌کند چنین می‌کنند. به همین خاطر روشن کردن شدت و نزدیکی تهدیدات ناشی از ورزش نکردن می‌تواند مفید باشد؛ یعنی باید ادراک افراد را تحت تأثیر قرارداد و تعریف آن‌ها از وضعیتی که در آن قرار دارند را ویرایش نمود تا ورزش در آن اهمیتی درجه اول بیابد.

پژوهش حاضر با هدف سنجش عوامل مؤثر بر مشارکت پایین کارمندان شرکت برق منطقه‌ای خراسان در فعالیت‌های ورزشی و حرکتی به روش پیمایش به اجرا درآمده است. نتایج پژوهش نشان داد که در درجه اول، بیشتر پاسخگویان زمان کافی برای انجام فعالیت‌های ورزشی ندارند. از سوی دیگر این کارمندان زمان روزانه خود را وقف فعالیت‌های اجتماعی و علمی و سرگرمی غیر حرکتی می‌نمایند. این دو عامل از موارد است که سبب می‌شود کارمندان به‌طور به سمت فعالیت‌های ورزشی سوق پیدا نکنند.

در این پژوهش از بخش کمی و کیفی (سوالات باز پاسخ) این نتیجه استخراج شد که اولاً میزان فعالیت ورزشی کارمندان در هفته قابل قبول نیست و پایین ارزیابی می‌شود (همسو با محسنی، ۲۰۰۰) و فعالیت‌های حرکتی را به‌طور نامنظم و فعالیت‌های غیر حرکتی را بیشتر از آن انجام می‌دهند (همسو با نتایج فتحی، ۲۰۰۹) اما افرادی که درآمد و پست سازمانی بالاتری دارند کمتر ورزش می‌کنند (ناهم‌سو با سلمان، ۲۰۱۴). کارمندان به علت مشغله زندگی و خستگی در کار کمتر به‌سوی ورزش متمایل می‌شوند (همسو با هنربخش و همکاران، ۲۰۰۸).

از طرف دیگر، دسترسی مشکل به امکانات ورزشی و دوری محل سکونت از اماکن ورزشی شرکت برق سبب شده است که رغبت کارمندان به ورزش کردن کاهش یابد. همچنین میزان فعالیت ورزشی پایین همکاران نیز بر این مسئله افزوده است؛ بنابراین کارمندان توقع داشته‌اند که اولاً همکاران در انجام فعالیت ورزشی آن‌ها را یاری‌رسانده و از سوی دیگر دسترسی آن‌ها به اماکن ورزشی نیز افزایش یابد. یکی دیگر از مواردی که سبب گردیده است مشارکت ورزشی کارمندان کاهش باید کهولت سن و درگیری‌ها و مشغله‌های زندگی است. در بخش توصیف آماری مشخص گردید که سن کارمندان شرکت برق بالا بوده و آن‌ها به علت درگیر شدن در موضوعات مختلف فرصت کافی برای ورزش کردن ندارند.

از سوی دیگر در رابطه با انگیزه و نیت انجام فعالیت ورزشی، این نتایج عاید شد که بین دیدگاه مشارکت کارمندان شرکت برق در فعالیت‌های ورزشی و هدف‌گرایی یا نیت مندی آن‌ها ارتباط وجود دارد (همسو با تقوی، ۲۰۰۸). همچنین آن‌ها برای کسب شادابی و نشاط، احساس لذت و پیشگیری از بیماری و شادابی، حفظ سلامت، تناسب اندام و لاغر شدن (همسو با زاوی، ۲۰۰۳، رحمانی فیروزجاه و همکاران، ۲۰۱۱)، پر کردن اوقات فراغت و کسب سلامت روانی (شعبانی و همکاران، ۲۰۱۳) و پیوند جویی، ارتباط کاری و کار گروهی (همسو با ماندنی و همکاران، ۲۰۱۵) و احساس سودمندی فعالیت ورزشی برای کارمندان (۲) از این قسم در فعالیت‌های ورزشی شرکت می‌کنند.

اما این پژوهش یافته‌هایی را به دست آورده و آنها را برجسته نموده است که در سایر پژوهش‌ها کمتر بدان توجه شده است. به طوریکه این پژوهش نشان داد، اولاً نگرش کارمندان به ورزش با سایر اقشار مردم متفاوت است. انگیزه مشارکت ورزشی کارمندان به مسائل سازمانی و همچنین رضایت از وضعیت سازمان محل خدمت آنها وابسته می باشد. همچنین این پژوهش این موضوع را نیز به بررسی گذارد که مشارکت خانواده های کارمندان شرکت برق نیز وابستگی بالایی به وضعیت آنها در دسترسی به خدمات دارد. شرکت برق منطقه ای خراسان اگرچه دارای امکانات ورزشی بسیاری است ولی دلیل اصلی عدم مشارکت کارمندان در این ورزش ها دسترسی نامناسب آنها به امکانات و خدمات ورزشی است. در نهایت اینکه، مشارکت کارکنان شرکت برق منطقه‌ای خراسان، به چهار جنبه فردی، اجتماعی، سازمانی و زیرساختی وابسته است و اگرچه ضعف در جنبه فردی و اجتماعی دیده می‌شود ولی مدیریت شرکت برق در زمینه سازمانی و زیرساختی بیشتر مورد هدف واقع شده است. لذا از آنجا که این مقاله برگرفته از یک طرح اینترنشیپ بوده است، پیشنهادهای آن نیز در دو قالب ارائه می‌شود تا سبب افزایش مشارکت ورزشی کارمندان گردد:

الف: پیشنهادهای برگرفته از یافته‌های پژوهش

- ❖ تأکید بر اهمیت شخصی فعالیت ورزشی
- ❖ توسعه مسابقات ورزشی
- ❖ اطلاع‌رسانی، فرهنگ‌سازی و تبلیغات
- ❖ توسعه فعالیت‌های ورزشی پشت میزی
- ❖ توسعه کمی و کیفی اماکن و لوازم ورزشی
- ❖ آزمون‌های سلامت ورزشی
- ❖ همکاری و قرارداد با سایر اماکن ورزشی
- ❖ تأکید بر ورزش‌های فکری، روانی و ذهنی
- ❖ حمایت و ترغیب همه‌جانبه سازمان از فعالیت ورزشی کارمندان

ب: سایر پیشنهادهای مرتبط اما مهم

- ❖ تدوین چشم‌انداز ورزشی سازمان
- ❖ روانشناس، مربی و مشاور ورزشی
- ❖ زمان‌بندی ورزشی متناسب با زمان‌بندی کاری
- ❖ برنامه ورزش و نرمش آمادگی جسمانی
- ❖ نیازسنجی ورزشی کارمندان

1. Anbari, Shapur, Moghadasi, Mehrzad, Torkfar, Ahmad, Rahimi zadeh, Ismaeel and Khademi, Yunes. (2012). "pattern of the effect of sport on physical fitness and general health of fellow employees". Give the student magazine, No. 67, April and May 2012: 40-52. [Persian]
2. Fathi, Soroush, (2009). "A sociological explanation for student sports participation Journal of Social Sciences". In the third, fourth number: 173- 145. [Persian].
3. Ghahreman Tabrizi, Kurosh and Razavi Mahmoodabadi, Seyed Mohamad Javad (2015). "Identification and prioritization of barriers to employee participation in the governmental offices in Kerman province in sport activities with an integrated approach, multi-criteria analysis and caps Maryland". Journal of Sport Management, No. 24, pp. 83-98. [Persian]
4. Ghasemian, Farahnaz, Ghafuri, Farzad. (2015). "the effect of architectural elements (color, texture and materials) Athletic schools on the willingness of students to physical activity". Exercise and behavior management journal, No. 22, pp. 79-84. [Persian]
5. Honarbakhsh, Masoud & Nejat, Hamid. (2008). "Comparison of teacher burnout in athletes and non-athletes, Proceedings of the First International Conference of Sports Universities of the Islamic World". May 2008, Tehran. [Persian]
6. Jarvie, G. (2003). "Communitarianism. Sport and social capital". International Review for the sociology of sport. 38. 2: PP: 139-153.
7. Mafheli, Dariush, Ghahraman Tabrizi, Kurosh (2007). "Relationship between burnout and physical activity faculty members of Shahid Bahonar University of Kerman". Research in sport science: Vol. 5, No. 17; from page 115 to page 129. [Persian]
8. Mandani, Batul. SaadatAbadi, Mehrnaz. And Farahbod, Mozghan. (2015). "The effect of exercise on quality of life of a group of veterans with post-traumatic stress disorder". A veteran medical journal, No. 27, pp. 7-18. [Persian]
9. Mohseny Manuchehr (2000). "Knowledge, Attitude and Practice Social- Cultural behavior in Iran". Published First; 190-191[Persian].
10. Parsamehr, Mehraban, NikNejad, MohammadReza and Hedat, Elaheh. (2015). "the relationship between social cognition and motivation patterns of physical activity among students of Yazd". University Journal of Humanities of Sport Management and behavior: Spring and summer, Volume 11, 21, from page 185 to page 192. [Persian]
11. Pelletier, L. G. Rocchi, M. A. Vallerand, R. J. Deci, E. L. & Ryan, R. M. (2013). "Validation of the revised sport motivation scale (SMS-II)". Psychology of Sport and Exercise, 14(3), 329-341.
12. Rahmani Firuzjh, Ali. Sharepur Mahmoud, Rezaei Pasha Sedigheh (2011). "Measuring of differentiated social capital based youth sport participation (Case study: Mazandaran University student athletes and non-athletes)". Sociological studies youth magazine, Issue 2, p. 37-49. [Persian]
13. Robabi. Hasan, Eghbali, Kebria, Zareban, Iraj, Karimi, Mahmoud, Mirhaghi, Amir Hossein, Sanai Nasab, Hormoz. (2013). "determining the physical activity patterns of employees working in banks in Iranshahr". Journal of Medical Sciences, Torbat Heydariye, first round, No. 2, pp. 55-63. [Persian]
14. Salman, Zahra. (2014). "The relationship between physical and mental health of women, cultural workers". Journal of Educational Psychology, No. 33, pp. 113-128 autumn 2014. [Persian].
15. Shabani Bahar, Gholam Reza, Erfani, Nasrallah, Hekmati, Zahra, (2013). "The relationship between sport and the success of the staff motivation Kermanshah Province

- Office of Education". Applied Research in Sport Management, winter 2013, Volume 2, Number 3 (s.7); page 11 - 21. [Persian]
16. Taghavi, Omid (2006). "Study of Socio - Economic incentives to participate in sport". Master's thesis, University of Guilan. [Persian]
 17. Wicker, P. Hallmann, K. Breuer, C. (2012). "Micro and macro level determinants of sport participation". Sport, Business and Management: An International Journal, 2(1), pp: 51 – 68.